

انسان و گستره حقوق بندگی

شرح رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

محمد باقر میری

بوستان
۱۳۹۷

تحریری، محمدباقر، ۱۳۳۴ -

انسان و گستره حقوق بندگی: شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام) / محمدباقر تحریری. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۷.

۷۹۲ ص. - (مؤسسه بوستان کتاب؛ ۲۶۴۳) (اخلاق و علوم تربیتی؛ ۳۰۳. اخلاق اسلامی؛ ۱۳۵)

ISBN 978-964-09-1925-5

فهرست براساس اطلاعات فیبا.

شاب-نامہ: ص ۷۸ - ۷۹۲: همچنین به صورت زیر نویس.

۱. علی بن حسین (علیه السلام)، امام چهارم، ۳۸-۹۴ق. رساله الحقوق - نقد و تفسیر. ۲. احادیث اخلاقی - نقد و تفسیر. الف. علی بن حسین (علیه السلام)، امام چهارم، ۳۸-۹۴ق. رساله الحقوق - شرح. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب. ج. عنوان. د. رساله الحقوق. فارسی. شرح. ه. عنوان: شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام).

۲۹۸/۲۱۸

۵۰۴۲۳۴۳ ر ۸/ع ۲۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۷۵۵۷۶

۱۳۹۷

■ موضوع: اخلاق اسلامی: ۱۳۵ (اخلاق و علوم تربیتی: ۳۰۳)

■ گروه مخاطب: - پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۶۴۳

مسیلسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۶۹۷۵

بوستان کتاب



نویسنده: محمدیان تحریری

روانشناسی و سیستمه بوم‌نمان کتاب

(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

● لیتوگرافی، چاپ و صفحه بندی: انجمن و سوسه بوستان کتاب

● نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷ ● شمارگان: ۱۰ ● بها: ۵۹۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک اثر متعلق به مؤسسه بودتان کتاب است

printer, the Islamic Republic of Iran

* دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفاییه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۲۶-۳۷۷۴۲۱۵۵-۷ ؛ ۰۲۶-۳۷۷۴۲۱۵۵-۸ ، تلفن یخس: ۰۲۶-۳۷۷۴۳۴۲۶

❖ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با هم نام)

❖ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، پلاک ۵۱، تلفن: ۶۹۸۷۸ ۶۶

❖ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع پاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضی، تلف: ۳۲۲۳۳۶

❖ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلف: ۳۲۲۰۱۰

❖ فروشگاه شماره ۵ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان ارم، تلفن ۳۷۷

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۰۲۱۵۵۰۰۱۰ و یا ارسال درخواست به:

E-mail: info@bustaneketab.com : بایست الکترونیک مؤسسه

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدرانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

- اعضای شورای بررسی آثار : دبیر شورای کتاب و سرویس پرستار؛ ابوالفضل طریقه‌دار ؛ ویراستار؛ محدثه حقیقی
 - اصلاحات حروف نگاری: اکرم صادقی و حسین محمدی
 - صفحه‌آرایی: سکینه مالزاده و حامد مؤتمنی
 - بازخوانی نهایی متن: محمدجواد مصطفوی
 - کنترل فنی: صفحه‌آرایی: سیدرضا واسعی و سیدمیرزا شمش
 - کارشناس طراحی و گرافیک: سمیرن نجابتی
 - طراح جلد: محمدعلی خفاجی
 - اداره آماده‌سازی: حمیدرضا نیموری
 - اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیونوگرافی، چاپ و صحافی
 - مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی.
- رئیس مؤسسه
محمدباقر انصاری

فهرست اجمالی

۹	متن رساله حقوق
۱۳	مقدمه
۲۳	۱. حقّ الله
۸۹	۲. حقّ نفس
۱۰۷	۳. حقّ زبان
۱۸۳	۴. حقّ گوش
۲۰۳	۵. حقّ چشم
۲۲۹	۶. حقّ پا
۲۷۷	۷. حقّ دست
۲۹۱	۸. حقّ شکم
۳۰۵	۹. حقّ شرمگاه
۳۱۷	۱۰. حقّ نماز
۳۵۱	۱۱. حقّ حج
۳۶۱	۱۲. حقّ روزه
۳۸۳	۱۳. حقّ صدقه
۳۹۵	۱۴. حقّ قربانی

۳۹۷.....	۱۵. حق حاکم
۴۱۱.....	۱۶. حق معلّم
۴۲۱.....	۱۷. حق مولا و مالک
۴۲۳.....	۱۸. حق مردم
۴۳۹.....	۱۹. حق شاگرد
۴۵۷.....	۲۰. حق همسر
۴۷۷.....	۲۱. حق برده
۴۸۱.....	۲۲. حق مادر
۴۸۹.....	۲۳. حق پدر
۴۹۳.....	۲۴. حق فرزند
۵۰۹.....	۲۵. حق برادر
۵۲۹.....	۲۶. حق مولا
۵۳۳.....	۲۷. حق برده آزادشده
۵۳۷.....	۲۸. حق نیکی کننده
۵۴۹.....	۲۹. حق اذان گو
۵۵۷.....	۳۰. حق امام جماعت
۵۶۳.....	۳۱. حق هم نشین
۵۸۳.....	۳۲. حق همسایه
۵۹۹.....	۳۳. حق دوست
۶۱۵.....	۳۴. حق شریک
۶۱۹.....	۳۵. حق مال
۶۳۹.....	۳۶. حق طلب کار
۶۴۱.....	۳۷. حق همکار
۶۴۱.....	۳۸. حق مدّعی
۶۶۷.....	۳۹. حق خصم
۶۷۳.....	۴۰. حق مشورت کننده
۶۸۱.....	۴۱. حق مشاور
۶۸۹.....	۴۲. حق نصیحت خواه

■ فهرست اجمالی

۶۹۷.....	۴۳. حقّ نصیحت کننده
۷۰۱.....	۴۴. حقّ کهن سالان
۷۰۵.....	۴۵. حقّ خردسالان
۷۱۳.....	۴۶. حقّ سائل
۷۲۷.....	۴۷. حقّ مسئول
۷۳۱.....	۴۸. حقّ شادکننده
۷۴۱.....	۴۹. حقّ ابدی کننده
۷۴۷.....	۵۰. حقّ اهل بیت
۷۵۷.....	۵۱. حقّ اس ذمه
۷۶۵.....	کتاب نامه
۷۷۳.....	فهرست تفصیلی

متن رساله حقوق

اَعْلَمَ رَحِمَكَ اللهُ اَنَّ لِلّهِ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةٌ بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحْرُكُهَا أَوْ سَكْنَةٍ سَكْنَتْهَا أَوْ مَنْزِلَةٍ نَزَلَتْهَا أَوْ جَارِحَةٍ تَأْتَتْهَا أَوْ آلَةٍ تَصَرَّفَتْ بِهَا بَعْضُهَا أَكْبَرُ مِنْ بَعْضٍ وَ أَكْبَرُ حُقُوقِ اللهِ عَلَيْكَ مَا أَوْتَبَهُ لِنَفْسِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَصْلُ الْحُقُوقِ وَ مِنْهُ تَفَرَّعَ ثُمَّ مَا أَوْجَبَهُ عَلَيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ قَرْنِكَ إِلَى تَدْمِكَ عَلَى اخْتِلَافِ جَوَارِحِكَ فَجَعَلَ لِبَصْرِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِسَمْعِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِللِّسَانِ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِيَدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِرِجْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِيَطْنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِقِرْجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا فَهَذِهِ الْجَوَارِحُ السَّبْعُ الَّتِي بِهَا تَكُونُ الْأَفْعَالُ ثُمَّ جَعَلَ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَفْعَالِكَ حُقُوقًا فَجَعَلَ لِصَلَاتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصَوْمِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصَدَقَتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِزَهْدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حَقًّا ثُمَّ تَخْرُجُ الْحُقُوقُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ مِنْ دَوِي الْحُقُوقِ الْأَسْبَعِ عَلَيْكَ وَ أَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حَقًّا أَثِمَّتَكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَحِمِكَ فَهَذِهِ حُقُوقُكَ تَسَعُّبُ مِنْهَا حُقُوقُ فَحَقُوقُ أَثِمَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حَقٌّ سَائِسُكَ بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ حَقٌّ سَائِسُكَ بِالْعِلْمِ ثُمَّ حَقٌّ سَائِسُكَ بِالْمِلْكِ وَ كُلُّ سَائِسٍ إِمَامٌ وَ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجَبَهَا عَلَيْكَ حَقٌّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ^١ ثُمَّ حَقٌّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةُ الْعَالِمِ وَ حَقٌّ رَعِيَّتِكَ بِالْمِلْكِ مِنَ الْأَزْوَاجِ وَ مَا مَلَكَتْ مِنَ الْأَيْمَانِ وَ حُقُوقُ رَحِمِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ

١. در خصال «حق» آمده است.

الرَّحِمِ فِي الْقَرَابَةِ فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ أُمِّكَ.

تُمَّ حَقُّ أَبِيكَ تُمَّ حَقُّ وَلَدِكَ تُمَّ حَقُّ أَخِيكَ تُمَّ الْأَقْرَبُ فَالْأَقْرَبُ وَالْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ تُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعِمِ عَلَيْكَ تُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْجَارِي نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ تُمَّ حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ أَبِيكَ تُمَّ حَقُّ مُؤَذِّنِكَ بِالصَّلَاةِ تُمَّ حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ تُمَّ حَقُّ جَلِيسِكَ تُمَّ حَقُّ جَارِكَ تُمَّ حَقُّ صَاحِبِكَ تُمَّ حَقُّ شَرِيكَكَ تُمَّ حَقُّ مَالِكَ تُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي تُظَالِمُهُ تُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي يُظَالِمُكَ تُمَّ حَقُّ خَلِيطِكَ تُمَّ حَقُّ خَضِيكَ الْمُدَّعِي عَلَيْكَ تُمَّ حَقُّ خَضِيكَ الَّذِي تَدْعِي عَلَيْهِ تُمَّ حَقُّ مُسْتَشِيرِكَ تُمَّ حَقُّ الْمُشِيرِ عَلَيْكَ تُمَّ حَقُّ مُسْتَنْصِحِكَ تُمَّ حَقُّ النَّاصِحِ لَكَ تُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ تُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَصْغَرُ مِنْكَ تُمَّ حَقُّ سَائِلِكَ تُمَّ حَقُّ مَنْ سَأَلْتَهُ تُمَّ حَقُّ مَنْ كَرَى لَكَ عَلَى يَدَيْهِ مَسَاءَةٌ يَقُولُ أَوْ فِعْلٌ أَوْ مَسْرَّةٌ بِذَلِكَ يَقُولُ أَوْ فِعْلٌ عَنْ تَعَمُّدٍ مِنْهُ أَوْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ تُمَّ حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةٌ تُمَّ حَقُّ أَهْلِ الدِّمَةِ [ذِمَّتِكَ] تُمَّ الْحُقُوقُ الْحَادِثَةُ بِقَرَابَتِكَ مِنَ الْأَحْوَالِ تَصْرُفِ الْأَسْبَابِ قَطُوبِي لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا أُوجِبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِ بَرٍّ أَوْ عِبَادَةٍ؛

بدان، خدا تو را رحمت کند! به درستی که خداوند بر تو حقوقی دارد که سراپای وجودت را فرا گرفته است: در هر حرمت یا سکوت، که قرار داری یا در هر جایی که فرود آیی یا هر عضوی که تکیه دهی، به بزرگاری که به کارگیری [خداوند را در تمام آن‌ها حقی است]. برخی از این حقوق، بزرگ‌تر از برخی دیگر است. بزرگ‌ترین حقوق خدا بر تو حقی است که خداوند - تبارک و تعالی - به عنوان حق خود، رعایت آن را بر تو واجب کرده است و آن ریشه همه حق‌هاست و دیگر حقوق، جملگی از آن منشعب می‌شوند. سپس آنچه واجب کرد بر تو حق خودت است که از سر تا قدمت را شامل می‌شود. برای چشم و گوش و زبان و دست و پا و شکم و دامت حقی را بر تو واجب ساخته است. این اعضای هفت‌گانه است که به کمک آن‌ها کارها

۱. در خصال و فقیه به جای «عَامَّةً» کلمه «عَلَيْكَ» و به جای «الدِّمَّة» کلمه «ذِمَّتِكَ» آمده است.

صورت می‌پذیرد.

سپس خداوند عزیز و جلیل برای کارها و افعال تو نیز حقوقی برای نماز، روزه، صدقه، قربانی و دیگر کارهای بر تو حقی واجب کرده است.

سپس حقوق دیگر افرادی است که بر تو حقوق واجبی دارند و از همه واجب‌تر حقوق رهبرانت، سپس زیردستانت، و پس از آن حقوق خویشاوندانت می‌باشد. این‌ها حقوقی است که حقوق دیگر از آن منشعب می‌شود.

پس حقوق رهبران سه قسم است که واجب‌ترین آن‌ها بر تو رعایت حق کسی است که پیشوای تو در حکومت است. سپس حق کسی که پیشوای تو در علم است و پس از آن کسی که پیشوای تو در ملک است و البته هر رهبر و پیشوایی امام به ما معرفی می‌رود.

و حقوق زیردستانت نیز سه گانه است که از همه واجب‌تر رعایت حقوق کسی است که در قدرت، زیردست تو است سپس حق کسی که در علم زیر دست تو است، زیرا نادان، زیردست داناست. پس از آن افراد تحت اختیار، چون همسران و خدمت‌کاران تو. حقوق خویشاوندانت بسیار است و به دور و نزدیک بودن نسبت خانوادگی بستگی دارد و واجب‌ترین آن‌ها بر تو حق مادر، سپس حق پدر، بعد حق فرزند و پس از آن حق برادر و ... است و دیگر خویشان هر یک که نزدیک‌تر است، مقدم‌تر است و رعایت حقش اولویت دارد.

سپس حق مولا و ولی نعمت تو است که به تو احسان کرده و بعد حق آن کس که نعمت را بر او جاری کرده‌ای.

سپس حق کسی است که به تو احسان نموده و بعد به ترتیب حق اذان‌گوی نماز، پیش‌نماز، هم‌نشین، همسایه، رفیق، شریک مال، بدهکار، طلبکار،

دوست، طرف معاملات و طرفی که بر تو ادعا دارد، آن کس که تو بر او ادعا داری، کسی که با تو مشورت می‌کند، آن کس که تو با او مشورت می‌کنی، آن کس که از تو طلب خیرخواهی می‌کند، خیرخواه تو، فرد بزرگ‌تر، فرد کوچک‌تر، سائل و درخواست‌کننده، کسی که از او درخواستی داری، آن کس که سخن یا عمل خود عمداً یا سهواً به تو بدی یا خوبی کرده است، همه هم‌کشانان کناری که در پناه دین تو هستند و حقوقی که به مقتضای احوال در زندگی پدید می‌آید.

پس خوشایه حال کسی که خداوند او را یاری کند بر ادای حقوقی که بر او واجب کرده و مرتبتش داشته و به راه راست ارشادش فرموده است!

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَأَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ
سَيِّدِنَا وَإِنَّا حَبِيبٌ قُلُوبِنَا وَطَبِيبٌ نُفُوسِنَا سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ أَبِي
الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُنتَخَبِينَ
الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ
أَجْمَعِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

کتاب حاضر شرح رساله حقوقي امام خمينادعاه با توجه به زیرساخت
مباحث اخلاقی است. انديشوران علم اخلاق مباحث اخلاقی را اغلب به سه
شکل مطرح کرده اند: گروهی، ابتدا نفس و قواي و حواسی آن را به صورت
اجمال معرفی نموده، به بیان اوصاف حمیده و رذیله سر یک از این قوا
می پردازند و در ادامه، راه کسب فضایل و از بین بردن رذایل را با استناد به
دیدگاه های عقلی بیان می کنند. به این روش «اخلاق فیلسوفانه» گفته می شود.^۱
گروهی دیگر، با بیان آیات و روایات مربوط به صفات حمیده و رذیله
تحلیل اجمالی و سطحی آن ها و جمع بین دلایل هر بحث، بدون توجه به
مبانی عمیق معرفتی کتاب و سنت، به بحث درباره اوصاف نفسانی می پردازند

۱. مانند کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاخلاق نوشته ابن مسکویه رازی و اخلاق ناصری تألیف
خواجه نصیر الدین طوسی.

که به این روش «اخلاق حدیثی» گفته می‌شود.^۱

عده‌ای نیز با تلفیق این دو روش (روش عقلی و نقلی)، موضوعات اخلاقی را بیان کرده، و به مسئله شناخت نفس انسان و صفات حمیده و رذیله آن پرداخته‌اند.^۲

در میان اندیشمندان دینی، علامه طباطبائی رحمته‌الله با ژرف‌نگری به قرآن، سنت و روایات اهل بیت علیهم‌السلام روش دیگری را ابداع و با نگاهی خاص و البته دقیق‌تر به انسان مسائل نفسانی و روحی او را بررسی کرد.

در این روش، به صورت زیربنایی و با نظامی هدف‌دار، کلی و فراگیر راهکارهای اصلاح نفسانی بیان می‌شود و انسان به دیدگاه معرفتی والایی درباره ویژگی‌های نفس، رابطهٔ وجودش با حق تعالی و هدف از آفرینش می‌رسد و در پرتو همین معرفت و شناخت می‌تواند نفس خود را اصلاح کند؛^۳

به تعبیر دیگر، در این روش اصل بر شناخت معرفت اجمالی به حقیقت نفس انسانی و رابطهٔ وجودی آن با حق تعالی و توصف جمال و جلال اوست که اصلاح و تهذیب نفس را در پی خواهد داشت.

به‌طور کلی مرحوم علامه رحمته‌الله مکتب‌ها و روش‌های اخلاقی را بر اساس اهداف آن‌ها، به سه دسته تقسیم کرده که عبارتند از:

۱. مانند کتاب گران‌قدر بحار الانوار تألیف مرحوم علامه مجلسی، اما کتاب خصال نوشته مرحوم شیخ صدوق و تحف العقول تألیف مرحوم ابن شعبه حرانی و قسمتی از اصول کافی و وسائل الشریعه و مستدرک الوسائل تنها به ذکر روایات اخلاقی اکتفا کرده‌اند.

۲. مانند کتاب محبة البیضاء مرحوم فیض کاشانی، جامع السعادات مرحوم ملا مهدی نراقی و معراج السعاده ملا احمد نراقی رحمته‌الله.

۳. شاید بتوان این مسلک را «اخلاق عرفانی» نامید که به کتاب منازل السائرین نیز اطلاق می‌شود. امام خمینی رحمته‌الله از این روش استفاده کرده و در علم اخلاق، با تحلیل‌های عرفانی مباحث آن را مطرح می‌کند.

۱. روش مکتب‌های مادی: تنها هدف این مکتب‌ها از تحصیل فضایل و یا دوری از رذایل اخلاقی، تأمین نیازهای مادی و اصلاح زندگی اجتماعی انسان است.

۲. روش عمومی ادیان و پیامبران الهی: هدف پیامبران در این روش، تربیت و تشویق مردم به اصلاح اوصاف نفسانی و کسب فضایل اخلاقی برای رسیدن به سعادت و نعمت‌های آخرتی است.

۳. روش خاص تربیتی قرآن و سنت: در این روش، انسان با توجه به رابطهٔ خود با حق تعالی و اوصاف کمالی او، برای رسیدن به قرب ذات اقدس الهی و انصاف به اوصاف جمال و جلال، به اصلاح نفس و کسب فضایل اخلاقی هدایت می‌گردد.

وی روش سوم را برای بیان دیدگاه اسلام انتخاب می‌کند، پس با چنین نگرشی، به‌جا آوردن وظایف دینی برای انسان آسان و نفس به‌صورت زیربنایی اصلاح می‌شود.^۱

منشأ علوم انسانی

اعتقاد علامه طباطبائی رحمته الله در تفسیر شریف المیزان این است که با استناد به آیات قرآن کریم و توجه به توحید و شئون توحیدی و احسان خداوند بر انسان و دیگر موجودات، همهٔ علوم انسانی جزء علوم الهی محسوب می‌شوند.^۲ ما نیز منشأ همهٔ علوم انسانی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی،

۱. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۷۶؛ آن بزرگوار دیدگاه دیگری را نیز بیان و مجموع مطالب را به صورت طرح کلی مطرح می‌کند. در میان علمای معاصر، آیه‌الله مصباح‌یزدی رحمته الله مباحث اخلاقی را با نظام ویژه‌ای در کتاب اخلاق در قرآن مطرح کرده که تا حدودی با روش سوم منطبق است.

۲. این مطالب، از بیانات ایشان در تفسیر المیزان اقتباس شده است.

اقتصاد، اخلاق و... را وحی می دانیم و معتقدیم در صورتی که این علوم به طور صحیح از مبدأ هستی بخش و وحی الهی و معارف ائمه علیهم السلام گرفته شوند، کمتر دچار خطا و اشتباه می گردند.^۱

متأسفانه علوم انسانی رایج به دلیل بررسی حالات و روابط انسانی، جدا از رابطه ارتباط او با مبدأ وحی و نادیده گرفتن وظایف وی در برابر حق تعالی و به صرف اعتداد بر تجربه بشری، مرتکب اشتباه‌های فراوانی شده است.

نگاهی اجمالی به رساله حقوقی امام سجاده علیه السلام

از جمله برکات وجود امام سجاده علیه السلام مجموعه‌ای از معارف ناب اسلامی و انسانی است که به نام «رساله حقوقی» معروف شده است.

حضرت در این رساله پیش از بیان حقوق پناه‌گانه‌ای که بر عهده انسان است، نخست حق الله را بیان می فرماید. سپس به حقوق دیگر، با این حق در ارتباط بوده و این حق سرچشمه دیگر حقوق است. هر انسانی با تأمل در وجود خویش می تواند این حق (حق الله) را به‌عورکلی درک کند و بداند که حقوق دیگر همیشه همراه اوست و از سوی خداوند تعالی و اولیای بزرگوارش بیان شده است.

هم چنین این امر، مطابقت معارف دین با فطرت بشر را می‌رساند. هر کسی بخواهد در مسیر شکوفایی فطرتش قرار گیرد، باید از دین الهی که به تمام حقوق احاطه دارد، به طور کامل پیروی کند و حقوق دیگر نیز باید با

۱. زیرا این معارف از جانب خالق و رب انسان و دیگر موجودات است و او هستی و کمال مطلق است که می‌داند چه چیزی آفریده و او را برای چه هدف والایی خلق کرده است، به گونه‌ای که راه دقیق و صحیح و کامل رسیدن به آن هدف را نیز از طریق کسانی که مصون از خطا و انحراف فکری و عملی و اخلاقی هستند، معین کرده است.

توجه به این حق، بررسی، فهمیده و عملی شوند تا انسان را به سرمنزل مقصود - که قرب الهی است - نائل سازند.

امام سجاده علیه السلام سپس حقوق نفس انسان بر خویش و در مرحله بعد حقوق دیگر افراد بر انسان را تشریح می‌فرماید و آن‌ها را شاخ و برگ و لوازم حق اول می‌داند.

با توجه به این دیدگاه که اساس دیدگاه قرآن و سنت است، انسان در این عالم تنها یک وظیفه اصلی دارد و آن، ادای حق خدای متعال است و دیگر وظایف و، فرع آن حق است، به همین دلیل این دیدگاه، به مسائل علمی ژرفای روان می‌بخشد.

در مجموع، رساله حقوقی امام سجاده علیه السلام بر تبیین سه حق استوار است: نخست: وظایف و رابطه وجودی انسان با خداوند متعال (عبودیت مطلق)؛ دوم: وظایف و رابطه وجودی انسان با خود و حق اعضا و جوارح (حق انسان بر خویش)؛

سوم: وظایف و احکام رابطه انسان با انسان‌های دیگر (حقوق دیگران). هم‌چنین این رساله، شامل دو بخش است: بخش نخست، شمارش و بیان اجمالی حقوق و بخش دوم، بیان تفصیلی آن را در بر دارد. ما از بخش دوم آغاز می‌کنیم.

البته سعی شده است مباحثی که در این کتاب مطرح می‌گردد راهکارهای اخلاقی و تربیتی برای عموم مؤمنان باشد، اما چون نظر بر این است که مباحث به صورت زیربنایی بیان شود و طالبان تهذیب نفس ابتدایی‌ترین مسائل را با توجه به امور اعتقادی ضروری فراگیرند، روش تربیتی که این‌جا مطرح می‌شود اولین و ضروری‌ترین وظایف تربیتی است که با توجه به بندگی حق تعالی در تمام شئون زندگی بیان گردیده است.

یاری از خداوند در ادای حقوق بندگی

امام سجاده علیه السلام در پایان بخش اول رساله، درباره اداکنندگان این حقوق می‌فرماید:

فَطُوبَى لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا أُوجِبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ وَوَقَّعَهُ وَ

خوش به حال کسی که خدای متعال او را بر ادای حقوقی که بر او واجب نموده، رزقش کرده و در این کار توفیقش داده و استوارش ساخته است!

هم‌چنین برای موفقیت در ادای این حقوق، در پایان بخش دوم حدیث می‌فرماید:

يَجِبُ عَلَيْكَ رِعَايَتُهَا وَالْعَمَلُ فِي تَأْدِيهَا وَالِاسْتِعَانَةُ بِاللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَى ذَلِكَ؛

رعایت این حقوق، تلاش برای ای‌آنها و کمک‌گرفتن از خدایی که ستایشش بزرگ است، بر تو واجب است.

امام سجاده علیه السلام با این عبارت، ما را بر توجه به وجوب این حقوق، تلاش برای آن و یاری جستن از خداوند متعال برای موفقیت در آن، ترغیب نموده‌اند.

اگر معنای حق درست درک شود، به‌خوبی متوجه می‌شویم که برای موفقیت کامل در ادای حق الهی، چاره‌ای جز کمک‌گرفتن از او نیست. بنابراین پیامبران و اولیای الهی با وجود همه معرفت و مقامی که داشتند، لحظه‌ای از استعانت از درگاه حق تعالی غفلت نمی‌کردند؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که وجود مبارکش اقیانوس بی‌کران معرفت بود، هر لحظه خود را نیازمند یاری خدای متعال می‌دید. قرآن کریم از قول آن حضرت می‌فرماید:

«رَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ»^۱

و پروردگار ما خداوند رحمانی است که در برابر نسبت ناروای شما، از او استمداد می‌شود.

هرفی اجمالی انسان

در این بخش، لازم است پیش از شرح حقوق واجب بر انسان، مطالبی کوتاه دربارهٔ روحی او و تبیین ماهیت و جایگاهش در این عالم بیان شود. با دست در ویران‌سازی انسان - جدا از نظریه‌ها و فرضیه‌های مکتب‌های گوناگون و تفسیرها و برداشتهای علم دانشمندان در این زمینه - روشن می‌گردد که وی، علاوه بر دو جنبهٔ جسمانی و غیرجسمانی که دارد و اساس وجود او را جنبهٔ غیرجسمانی‌اش تشکیل می‌دهد، همین بهشت از وجود وی عهده‌دار فعالیت‌های اوست، موجودی وابسته و مرتبط با اشیاء و موجودات گوناگون پیرامون خود است که هم از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند بر آن‌ها اثرگذار باشد. این ارتباط وجودی، دو نوع کلی دارد:

نوع اول: با موجوداتی که مستقل نیستند و ارتباط با آن‌ها در حد تأثیر ظاهری و زمینه‌ای است. این نوع ارتباط، موضوع علوم تجربی است که نحوه و میزان تعامل بین موجودات را کشف می‌کند.

نوع دوم: امری است که فهم آن از شئون روح و حقیقت انسانی است که می‌تواند واقعیت وجود خویش و این عالم را با به‌کار بستن صحیح نوعی ادراکی، درک کند. هم‌چنین می‌تواند راه و روشی را که مطابق با آن واقعیات است و برای تکامل او ضروری است، به صورت کلی ادراک کرده و سپس

۱. انبیاء، آیه ۱۱۲.

براساس آن عمل نماید تا به نتیجه‌ای مطلوب از وجود خویش برسد. این نوع از روابط وجودی، وظایف و تکالیفی را بر عهده آدمی می‌گذارد که تا وقتی در نظام هستی زندگی می‌کند، این وظایف نیز همراه و بر عهده اوست. بنابراین، انسان مانند دیگر موجودات شبیه خود، وابسته و مخلوق است با این تفاوت که با داشتن این رتبه از هستی، هدف والایی دارد و بدون راه و روش مطلوب هرگز به آن هدف والا دست نخواهد یافت.

همچنین با تسل در وجود انسان معلوم می‌شود تنها، خالق اوست که تمام کمال‌ها را داراست و اگرترین شخص به راه و روشی است که انسان را به مقصد نهایی از خاستن می‌رساند. رابطه انسان با آفریننده‌اش (که همواره برقرار است) ایجاب می‌کند که او در مرحله نخست، وظیفه‌اش را در برابر خالق مطلق، به نحو مطلوب انجام دهد که البته آن نیز جز با اظهار خضوع در برابر ساحت مقدس پروردگار تحف‌سی‌یاب.

در مرحله بعد انسان باید به وظایفی که خدای متعال برای او در روابط وجودی‌اش با دیگر موجودات ترسیم نموده، عمل کند.

در این رساله گران قدر، امام سجاده علیه السلام با بیانی بسیار امانت و شیوا این روابط و حقوق را ابتدا به اجمال و سپس با تفصیل و ترتیب منظم، بیان می‌فرماید.^۱

۱. این رساله در کتاب *تحف‌العقول* با تصحیح و تعلیق مرحوم علی‌اکبر غفاری در انتشارات جامعه مدرسین به چاپ رسیده است و ما آن را در این تحقیق در نظر گرفته‌ایم و تنها «حق‌الحج» را که در *تحف‌العقول* ذکر نشده بود، ولی در برخی منابع معتبر دیگر ذکر شده بود، از کتاب *خصال* نقل کرده‌ایم. هم‌چنین نسخه‌بدل‌هایی که در آن کتاب‌ها وجود داشته در حاشیه ذکر کرده‌ایم. منابع دیگر روایی که در این رساله ذکر کرده‌اند، عبارتند از: *خصال* و *من لایحضره الفقیه* شیخ صدوق، وافی، وسائل‌الشیعه و بحار‌الأنوار.

شرح این رساله، به انگیزه معرفی گوشه‌ای از آموزه‌های مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) برای آشنایی با گستره حقوق صورت گرفت، امید که مقبول حضرت حق افتد.

محمدباقر تحریری - شهر مقدس قم ۱۳۹۶